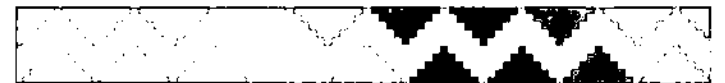




www.ketab.ir

شناخت نقوش اصیل سوزن دوزی سیستان و بلوچستان

تالیف و ترسیم نقوش: زهرا تجویدی



سرشناسه :	تجویدی، زهرا، ۱۳۳۳ -
نویسنده و نام پدیدآور :	شناخت نقوش سوزندوری سیستان و بلوچستان/ تألیف و ترسیم نقوش زهرا تجویدی؛ ناظر کیفی مهدیه پورشاد؛ صفحه‌آرایی و طرح جلد آرمین جعفری؛ اجرای کامپیوتری نقوش هاله رجبی.
مشخصات نشر :	تهران: باران مهر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری :	۸۴ ص.: (مصوررنگی).
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۹۱-۷۰۰
یادداشت :	کتاب حاضر با حمایت وزارت مسکن و شهرسازی (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران) منتشر شده است.
موضوع :	سوزندوری -- ایران -- سیستان و بلوچستان
شناسه افزوده :	پورشاد، مهدیه، ناظر
شناسه افزوده :	جعفری، آرمین
شناسه افزوده :	رجبی، هاله
شناسه افزوده :	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران
رده بندی کنگره :	۳۹۰/ش۲/۵/۲۲۷
رده بندی دیویی :	۷۲۶/۲
شماره کتابشناسی ملی :	۲۴۰۱۹۴۹
تاریخ درخواست :	۱۳۹۰/۰۴/۱۴
تاریخ پاسخگویی :	۱۳۹۰/۰۴/۲۸
کد پیگیری :	۲۴۰۱۵۹۹

الف و ترسیم نقوش: زهرا تجویدی

ناظر: مهدیه پورشاد

صفحه‌آرایی و طرح جلد: آرمین جعفری

اجرای کامپیوتری و نقوش: هاله رجبی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - جیب اول قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

تمامی حقوق معنوی کتاب متعلق به وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران می‌باشد.



نشر باران مهر

فهرست

صفحه	عناوین
۴	□ پیشگفتار
۶	□ سخن مؤلف
۱۲	□ نقوش سوزن دوزی به شکل کاربردی
۲۴	□ نقوش سوزن دوزی به شکل کاربردی (همراه با اجزاء تشکیل دهنده)
۴۰	□ اجزاء نقوش سوزن دوزی

www.ketab.ir



□ سوزن دوزی یکی از هنرهای سنتی است که دارای قدمت بسیار زیادی است و شاید کمی بعد از به وجود آمدن بافت پارچه های ساده به وجود آمده باشد. روی نقوش کاشی های لعابدار که از بناهای هخامنشی در شوش بدست آمده

□ هم اکنون سوزن دوزی در بسیاری از نقاط ایران مرسوم است که با روش های متفاوتی دوزندگان، نقوش خود را روی پارچه می دوزند. از جمله: پته دوزی کرمان که با نخ های رنگارنگ نقوش سنتی خود را روی پارچه های پشمی می دوزند. قلاب دوزی رشت که همراه با تکه دوزی با پارچه های رنگی روی پارچه دیده می شود. سبرمه دوزی و نقده دوزی و سکمه دوزی اصفهان کلابتون دوزی و پولک دوزی بندرعباس منجوق دوزی یزد ابریشم دوزی ممقان گلابتون دوزی ترکمن ها سوزن دوزی کردها و بالاخره سوزن دوزی و خاسه دوزی (ابریشم دوزی) زنان و دختران سیستان و بلوچستان که علاقه نگارنده را به خود جلب کرده است.

□ لازم به یادآوری است که به غیر از سوزن دوزی، صنایع دستی دیگری نیز توسط زنان این منطقه تولید می شود. مانند سفالگری، گلیم بافی و حتی کار مشکل نمدمالی. ولی تهیه مواد اولیه و وظیفه مردان است. آشنایی من با سوزن دوزی بلوچ به اواخر دهه چهل برمی گردد که با مدرک لیسانس گرافیک از دانشکده هنرهای تزئینی (دانشگاه هنر فعلی) در مرکز صنایع

لباس هایی با پارچه های نقش دار دیده می شود که قطعاً طرح آنها روی پارچه، سوزن دوزی شده است". (کتاب شاهکارهای هنر ایران پوپ صفحه ۷۷)

دستی ایران که مرکزی کاملاً نوپا و جدید بود، استخدام شدم. در آن زمان صنایع دستی ایران به جز صنایع دستی شناخته شده ای مانند: خاتم کاری، مینا کاری، قلم زنی، پارچه های قلمکار اصفهان و خاتم شیراز و تعدادی از صنایع دستی روستاها که صرفاً جنبه مصرف محلی داشت، برای همه شناخته شده نبود.

□ در اواسط دهه چهل مرکز کوچکی در وزارت اقتصاد تشکیل شد و چند نفر کارشناس، محقق و هنرمند به بسیاری از روستاهای ایران به منظور شناسایی صنایع دستی که در ضمن جنبه هنری هم داشته باشد، سفر کردند و آثار آنان را جمع آوری نموده و به مرکز آوردند، سپس اقدامات لازم جهت ارتقاء کیفیت و کمیت آثار آغاز شد. یکی از اقدامات جهت تولید بیشتر، ابداع طرح هایی بود که مورد استفاده شهری ها نیز باشد. با توجه به اینکه در آن زمان رشته خاص صنایع دستی دانشگاهی وجود نداشت، از فارغ التحصیلان رشته های هنری دانشگاه ها دعوت به عمل آمد، تا پس از موفق شدن در آزمون طراحی مربوطه به استخدام آن مرکز در آیند. که یکی از طراحان، اینجانب زهرا تجویدی بودم. برای عرضه آثار صنایع دستی، چه شهری و چه روستائی و چه اشیاء طراحی شده بوسیله طراحان، اولین فروشگاه صنایع دستی در خیابان طالقانی (تخت جمشید سابق) تاسیس گردید که با استقبال مردم به ویژه توریست ها روبرو شد و به زودی فروشگاه های دیگری نیز در تهران و بعد شهرهای بزرگ افتتاح شد. و آن مرکز کوچک تبدیل به سازمان صنایع دستی ایران شد. بعدها در مراکز استان ها، ادارات صنایع دستی وابسته به این سازمان تاسیس شد.

□ یکی از این ادارات، اداره صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان با مرکزیت زاهدان بود. توجه خاص به سوزن دوزی بلوچ، علاوه بر تولیدات محلی که سوزن دوزی بر روی لباس های محلی بود، نوارهایی با اندازه و عرض های مختلف و مشخص به آنها سفارش داده می شد که در تهران از آنها، جهت تزئین

اشیاء گوناگون مانند کیف های چرمی بغلی، کیف زنان، ساک، جلد عینک، جعبه دستمال کاغذی و اشیاء دیگر استفاده می شد.

□ با علاقه فراوانی که به نقوش زیبای سوزن دوزی های بلوچ پیدا کرده بودم قطعاتی که در تزئین لباس های محلی دوخته شده بود و همچنین قطعات نوارهای مختلفی که در فروشگاه های تهران عرضه می شد را خریداری و برای خود مجموعه ای جمع آوری کردم و در اوقات ما بین کارهای همیشگی خود، (طراحی برای اشیاء شیشه ای، سرامیک، اشیاء چوبی، پارچه های باتیک، اشیاء فلزی و سنگی) و... نقوش سوزن دوزی های بلوچ را که با شمارش تار و پود دوخته می شد روی کاغذ مدرج میلیمتری که تراکم آن تقریباً هم اندازه پارچه های ظریف آنان بود با شمارش خطوط، نقوش آنها را عیناً به روی کاغذ آورده و با مداد رنگی که حالتی مشابه نخ های سوزن دوزی را به وجود می آورد رنگ می کردم.

□ رنگ های سنتی آنان نارنجی و قرمز و رنگ های فرعی سبز، لاجوردی و سفید بود که برای لباس های محلی روی پارچه سیاه، به اندازه قطعات مورد نظر دوخته و در بازارهای زاهدان به فروش می رفت و زنان شهری که خود سوزن دوزی نمی کردند، این قطعات را خریداری کرده و بر روی لباس های خود نصب می کردند. نقوش آنها بسیار زیبا و متنوع بود و می دانستم که هر یک نام بخصوصی دارد. هم اکنون نیز این نوع سوزن دوزی های اصیل به تعداد کم و با قیمت بسیار گران در بازارهای زاهدان عرضه می شود.

در بهار ۱۳۵۸ فرصتی دست داد که برای بررسی و شناخت بیشتر نقوش و همچنین دانستن نام نقوش سوزن دوزی به زاهدان سفر کنم. در اداره صنایع دستی زاهدان خانم هنرمندی حضور داشت که مسئولیت او، تولید محصولات مورد نیاز شهری با سوزن دوزی بلوچستان بود.

این همکار ما در اوقات معینی از سال به مناطق مختلفی در شهرها و روستاهای بلوچستان که سوزن دوزان به صورت حرفه ای کار می کردند سفر می کرد و در هر سفر همراه خود مقدار زیادی پارچه به رنگ های مختلف جهت مصارفی مانند سجاده، جلد قرآن، روتختی، رومیزی، زیر بشقاب، دستمال سفره، کوسن و کلاهک آباژور در اندازه و رنگ های متنوع تهیه کرده همراه با نخ های رنگی هماهنگ با پارچه ها و مشخص کردن محدوده هایی که می بایست سوزن دوزی شود، می برد و در اختیار آنان قرار می داد تا نقوشی را که دوست دارند و بلد هستند بر روی پارچه ها بدوزند. بایر، ترتیب هم اصالت نقوش حفظ می شد و هم مطابق سلیقه شهری ها محصولات تهیه می گردید. در این سفرها او پارچه هایی را که در سفر قبلی با خود برده بود، سوزن دوزی شده و آماده، تحویل می گرفت و دستمزد آنها را پرداخته و سفارشات بعدی را به آنها تحویل می داد. سوزن دوزی های اصیل، روی پارچه های لطیف ریز بافت انجام می شد ولی در آن زمان از پارچه های درشت بافت تر بود و پارچه گاندی نامیده می شد استفاده می کردند.

لازم به ذکر است، در آن زمان خانم هنرمند دیگری به صورت ویژه لباس های بسیار فاخر و زیبایی که تماماً و یا قسمت هایی از آن، با سوزن دوزی پوشیده شده بود تهیه می کرد و به مشتریان بسیار خاص خود می فروخت.

در سال ۱۳۵۸ که هنوز لباس رسمی مانتو و شلوار برای خانم ها مرسوم نشده بود، من و همکارم که خانم عکاسی بود با لباس های عادی آن زمان، عازم زاهدان شدیم. همکار زاهدانی و مهمان نوازمان به جای هتل، ما را به خانه خود برد و در ضمن گفت که اگر شما با این لباس هایی که در تن دارید نزد سوزن دوزان برویم، دختران و زنان با شما غریبی کرده و دوری خواهند جست. و خودش لباس های محلی و سنتی بلوچی را به ما پوشاند و ما عازم مناطق مختلف از استان سیستان و بلوچستان شدیم. در این سفر، سوزن دوز استادکاری که زبان فارسی را نسبتاً خوب می دانست همراه ما بود که وظیفه او سرپرستی سوزن دوزان و همچنین رابط و مترجم ما نیز بود. زیرا گویش بلوچی برای فارسی زبانان کاملاً بیگانه است.

من طرح هایی را که از روی سوزن دوزی ها ترسیم کرده بودم را برده تا نام نقوش آنها را نیز مشخص کنم. این اسامی به زبان بلوچی بود که حتی مترجم ما معانی بعضی از آنها را به زبان فارسی نمی دانست. در هر منطقه ما را به خانه بزرگ آنجا می بردند و آنها مطابق رسم خودشان پذیرای ما بودند و این رسم نه تنها در مورد ما که کارمند دولت بودیم بلکه هر مسافر دیگری نیز صورت می گرفت و مردمان مهمان نواز بلوچ با آغوش باز مسافران را می پذیرفتند.

لباس زن ها و دختران آنجا بدون استثناء لباس محلی بلوچی بود، که لباس زنان شوهردار، با سوزن دوزیهای مفصل تر و تزئین بیشتر و لباس دختران با تزئینات کمتر و سوزن دوزی های مختصر بود.

دختران بلوچ از هنگامی که قادر به گرفتن سوزن و نخ در دست می شوند نقوش متنوع را که در واقع متعلق به منطقه خاصی نیست و در سراسر این مناطق مشابه می باشد، از مادران خود می آموزند.

لباس آنها پیراهن گشادی است که دارای یک پیش سینه به نام "زی" (Zi) و یک پنج ضلعی محرابی شکل که به آن "پندول" (Pendul) یا جیب می گویند است که نقطه بالایی آن به وسط پایین پیش سینه دوخته می شود و دو ضلع بالایی آن باز است که در واقع همان جیب می باشد. این قسمت تا پایین دامن ادامه دارد. سرآستین ها را "آستونگ" (Astoong) می نامند که مشابه آن پایین شلوار نیز دیده می شود و به آن "پاچک" (Pachak)

می گویند. این قطعات کاملاً از سوزن دوزی پوشیده شده که نقوش آن به صورت حاشیه های موازی دوخته شده و فقط در پیش سینه می باشد که در آن شکل هندسی خاصی دوخته می شود.

این لباس با سر بندی شال مانند به صورت پارچه ای مستطیل به اندازه تقریبی ۱۵۰ در ۷۰ سانتیمتر که از پارچه های لطیف و نازک تهیه شده، کامل می شود.

دور لبه های آن، سرآستر تزئینات ظریفی دوخته شده و روی آن تکه گل های کوچکی است که آن را "سری" (Sari) می نامند.

ابزار کار به غیر از پارچه که باید تار و پود آن مشخص و کاملاً راست باشد عبارتند از: سوزن که آن را "سوچن" (Souchan)، قچی که به آن "مقراض" (Meqraz) و انگشتانه که به آن "شستی" (Shasti) گویند می باشد، البته در نقاط مختلف بلوچستان این اسامی و همچنین اسامی نقوش سوزن دوزی ها با اندک تغییری به کار می رود.

